فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۱ ، بهار ۱۳۹۲، پیاپی ۳

صفحات ۱۱۳- ۹۳

تحلیل نابرابری فضایی شاخص‌های مسکن در مناطق روستایی استان کرمانشاه

حامد قادرمرزی[۱]، استادیار گروه جغرافیا دانشگاه کردستان
داود جمینی، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه اصفهان
علیرضا جمشیدی، دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان
رامین چراغی، دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس تهران

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۵/۰۸ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۱۱/۱۹

چکیده

وضعیت مطلوب مسکن در نواحی شهری و روستایی یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی –اجتماعی در کشورهای جهان محسوب می‌شود. تدوین برنامه جامع در بخش مسکن به‌منظور دستیابی به وضعیت مطلوب مسکن مستلزم شناسایی و تجزیه و تحلیل ابعاد گسترده این بخش است. از راه‌های مهم آگاهی از وضعیت مسکن در فرایند برنامه‌ریزی‌های منطقه-ای، استفاده از شاخص‌های مسکن است. این شاخص‌ها که بیانگر وضعیت کمی و کیفی مساکن در هر مقطع زمانی است، راهنمای مؤثر جهت بهبود برنامه‌ریزی مسکن برای آینده است. در این رابطه پژوهش حاضر با استفاده از شاخص‌های مسکن به بررسی وضعیت مسکن مناطق روستایی شهرستان‌های استان کرمانشاه، و سطح‌بندی نواحی روستایی آن با استفاده از این شاخص‌ها پرداخته است. روش تحقیق پژوهش حاضر مبتنی بر روش اسنادی و توصیفی است. اطلاعات مورد نیاز از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ استان کرمانشاه استخراج شده است. در این مطالعه از ۳۴ شاخص برای بررسی وضعیت موجود استفاده شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و مدل TOPSIS، سطح‌بندی شهرستان‌ها بر اساس تحلیل خوشه‌ای و نمایش توزیع آنها با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS انجام گرفته است. به‌منظور سطح‌بندی نواحی همگن روستایی از روش تحلیل خوشه‌ای استفاده و نقاط روستایی استان به ۳ گروه همگن طبقه‌بندی شده‌اند که بر اساس آن مناطق روستایی شهرستان‌های کنگاور و هرسین در بالاترین سطح و مناطق روستایی شهرستان‌های دالاهو، ثلاث و باباجانی، اسلام‌آبادغرب، پاوه، روانسر، قصرشیرین، گیلانغرب و جوانرود در پایین‌ترین سطح از حیث برخورداری از شاخص‌های مسکن قرار دارند.

کلید واژه: تحلیل فضایی، شاخص‌های مسکن، نواحی روستایی، استان کرمانشاه.

[۱] نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۲۱۱۳۸۹۰ E-mail: ghadermarzi۶۱@yahoo.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱) مقدمه

مسکن از دیرباز یکی از مهم‌ترین نیازهای زندگی بشر بوده است. داشتن سرپناه ایمن و مطمئن از آرزوهای دیرینه هر انسانی بوده که در این راه با توسل به انواع روش‌ها و تکنولوژی‌ها سعی در ارتقای کمیت و کیفیت مسکن نموده است. اهمیت مسکن باعث شده که در زمان‌های مختلف در جهت بهبود مسکن برنامه‌ریزی‌هایی صورت گیرد و چه بسا انتخاب برنامه صحیح در زمینه‌ی مسکن به روند توسعه کشورها کمک کرده باشد (افراخته و هواسی، ۱۳۹۰: ۵۶).

بدون تردید مسکن اهمیت بنیادی در رشد انسان‌ها دارد. سازمان ملل، در بیانیه جهانی حقوق بشر عنوان می‌کند که هر کسی برای دستیابی به یک سطح استاندارد مناسب زندگی برای سلامتی و بهزیستی خود و خانواده‌اش حقی دارد. این سطح استاندارد مناسب برای زندگی از نظر سازمان ملل شامل غذا، لباس، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی لازم است (Choguill, ۲۰۰۷: ۱۴۳). همچنین، در اصل سی و یک قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر دسترسی به مسکن مناسب برای هر ایرانی صحه گذاشته شده است. از طرفی، تأمین مسکن (سرپناه) یکی از مهم‌ترین نیازهای اولیه بشر بوده و از بین تأمین غذا، لباس و سرپنا (نیازهای اولیه‌ی هر فرد) تامین مسکن، مشکل‌ترین آنها است (حکیمی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۹۷).

در تمام دوران حیات بشر، مخصوصاً در دهه‌های اخیر که رشد جمعیت با سرعت زیادی افزایش یافته است، مسکن از مسائل مهم اقتصادی و اجتماعی افراد بوده و هست. در این میان دسترسی به مسکن مناسب برای همه‌ی خانوارهای شهری و روستایی مخصوصاً اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه، که معمولاً قشر وسیعی از آنها در روستاها زندگی می‌کنند، از مهم‌ترین چالش‌های دولت‌ها و سیاست‌گذران به شمار می‌رود. گزارش نهایی کمسیون برانت (Hewitt, ۱۹۹۸:۴۱۳) نشان می‌دهد که مسکن یکی از نیازهای کلیدی کشورهای در حال توسعه است. نتایج نشان داده است که حدود ۲۰ درصد از کل جمعیت جهان فاقد مسکن مناسب هستند. بنابر برآوردها، احتمالاً بیش از نیمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه در مسکن‌هایی با شرایط زیر استاندارد زندگی می‌کنند، در حالی که دولت‌های این کشورها تمایلی به تأمین مسکن با استاندارد بالا را برای افراد ساکن در کشور خود ندارند و یا از عهده‌ی آن بر نمی‌آیند (حکیمی و همکاران، ۱۳۹۰).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

تاکنون برنامه‌ریزی در زمینه مسکن بیشتر معطوف به شهرها بوده و آنچه در باب مسکن روستایی نگاشته شده است. از طرفی با توجه به افزایش روزافزون جعیت شهرها و خالی شدن بسیاری از نقاط روستایی، لازم است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به توسعه‌ی روستاها توجه بیشتر و ویژه‌ای معطوف دارند. مسکن روستایی، یکی از مهمترین نیازهای روستاییان و توسعه-ی روستاها می‌تواند باشد که باید در برنامه‌های مختلف توسعه کشور به صورت واقعی جایگاه ویژه‌ی را به خود اختصاص دهد.

یکی از راه‌های مهم آگاهی از وضعیت مسکن در فرآیند برنامه‌ریزی روستایی، استفاده از شاخص‌های مسکن است (عزیزی، ۱۳۸۴: ۳۲). این شاخص‌ها از یک سو بیانگر وضعیت کمی وکیفی مساکن روستایی در هر مقطع زمانی بوده و از سوی دیگر راهنمایی مؤثر جهت بهبود بخشی برنامه‌ریزی مسکن برای آینده (ابزار کلیدی برای ترسیم چشم اندازآینده مسکن) می‌باشد (ستارزاده، ۱۳۸۸: ۵۷). همچنین، برای آگاهی از میزان دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در اصول قانون اساسی کشور و برنامه‌های بلند مدت توسعه‌ی کشور، بخصوص در مورد مسکن، تعریف شاخص‌ها و معیارهایی برای وضعیت‌سنجی موجود مسکن روستایی کشور میسر خواهد بود؛ چرا که شاخص‌ها ابزار مناسبی برای سنجش وضعیت موجود و میزان تحقق برنامه‌ها در طول اجرای آنها از یک سو و شفاف‌سازی در امر نظارت بر چگونگی اجرای سازمان‌های ذی‌ربط و عملکرد آنان از سوی دیگر خواهد بود (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

در استان کرمانشاه طبق سرشماری انجام شده در سال ۱۳۹۰، حدود ۳۰ درصد از کل جمعیت در روستاهای این استان با تراکم ۲۳/۴ نفر در هر کیلومتر زندگی می‌کنند. با توجه به اینکه، ساکنان روستاهای استان مورد مطالعه به علت ضعف بنیه مالی اغلب در مساکن نامناسب، دارای ساخت و ساز بسیار قدیمی و از لحاظ مقاومت بسیار ضعیف، از لحاظ فضاهای متنوع و استاندارد موجود در هر مسکن در سطح بسیار پایین و با وسایل تهویه ناقص زندگی می‌کنند. لذا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال بوده که وضعیت مسکن روستایی استان از نظر شاخص‌های مهم مسکن چگونه است؟ و نواحی همگن استان از حیث میزان برخورداری آن شاخص‌ها چگونه است؟

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۲) اهمیت موضوع تحقیق

واحد مسکونی به‌عنوان اصلی‌ترین عنصر تشکیل سکونتگاه‌های روستای و شهری و در حقیقت کالبد اصلی شهر یا روستا ر ا تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر تأثیر مسکن در زندگی صرفاً در حد سکونتگاه برای رفع نیاز خلاصه نمی‌شود. مسکن در واقع محل امنی برای انسان‌ها و چارچوبی برای حضور خانواده به‌عنوان اولین نهاد جامعه است. مواجهه با سکونتگاه‌های روستایی عمدتاً با هدف رفع محرومیت و دسترسی بهتر به خدمات و امکانات رفاهی و کم‌کردن آسیب‌پذیری سکونتگاه‌ها در برابر بلایای طبیعی سامان می‌یابد (خسرونیا، ۱۳۸۸: ۳۲).

زندگی روستاییان و نوع نگرش آنها به جهان و طبیعت، امکانات و دانش او برای ساخت و تولید، و شیوه‌های بهره‌برداری باعث می‌شود تا اجزاء محیط به مطلوب‌ترین و در عین حال رعایت سادگی و برقراری رابطه‌ای منطقی و مکمل بین آنها، با حداکثر کارائی شکل گیرد. سازمان فضائی کالبدی روستا که انعکاس ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی روستا که انعکاس ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آن به شمار می‌رود، متأثر از این نحوه کارکرد شکل می‌گیرد. در حالیکه در فضاهای مسکونی شهری هر عنصر فضایی کارکردی معین را به‌صورت ویژه و منحصر بفرد، به خود اختصاص می‌دهد، در فضای مسکونی روستایی بیشتر عناصر فضایی علاوه بر کارکردی خاص، کارکردهای مکمل با دیگر عناصر را نیز عهده‌دار می‌باشند؛ به‌طوری‌که گاهی هویت و بقای آنها در ارتباط با کارکرد کلی مجموعه معنا پیدا می‌نماید (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴: ۴۴).

وضوح و اهمیت نقش مسکن در روستاها، هنگامی نمود عینی‌تری می‌یابد که به نقش غالب آن در مجموعه عناصر تشکیل دهنده بافت‌های روستایی توجه شود. مسکن عمده‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده‌ی بافت‌های روستایی است. سازمان فضایی و نحوه‌ی استقرار و ساخت آن بیانگر کیفیت استفاده از محیط، و تأثیر اقتصاد، سنت‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه روستایی است (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴: ۴۴).

برابر آخرین سرشماری رسمی کشور (۱۳۹۰)، ۲۸/۵ درصد از جمعیت ۷۵ میلیونی کشور در روستاها ساکن می‌باشند. همچنین، قریب به ۵/۷ میلیون خانوار از مجموع ۲۱ میلیون خانوار ساکن در کشور، روستاییانی هستند که در بیش از ۵ میلیون واحد مسکونی سکونت دارند. با

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

توجه به اطلاعات استخراج شده از آخرین سرشماری رسمی کشور (۱۳۹۰)، ۳۰/۱ درصد از جمعیت ۱/۹ نفری استان کرمانشاه در روستاها ساکن بوده که حدود ۱۵۰ هزار خانوار از مجموع ۵۳۱ هزار خانوار ساکن در کل استان مورد مطالعه، روستاییانی هستند. در بیش از ۱۲۵ هزار واحد مسکونی سکونت دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

رشد طبیعی جمعیت و تراکم ۱/۱۴ خانوار (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) در واحد مسکونی که نیاز به تأمین مسکن جدید را ایجاب می‌نماید، تأکید اصل ۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به تأمین مسکن متناسب با نیاز خانوارهای ایرانی به‌ویژه روستاییان، و مؤظف شدن دولت به بازسازی و نوسازی مساکن روستایی حجم قابل توجهی از دخالت‌های کالبدی در روستاها را طی سال‌های گذشته، به‌خصوص در دو دهه گذشته، را به دنبال داشته است (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴: ۴۴).

توسعه مسکن از مهمترین مسایلی است که افراد جامعه با آن روبرو هستند، به‌طوری که می‌توان بیان داشت یک بنا یا سکونتگاه به درستی مجموعه رفتارهای مطلوب و کیفیت‌های فضایی مناسب با آنها است (لینچ، ۱۳۷۶: ۹۸). بنابراین، لزوم توجه به مسکن و برنامه‌ریزی آن در غالب برنامه‌های ملی، منطقه‌ای و شهری بیش از پیش احساس می‌شود تا با بهره‌گیری از دانش و تکنیک‌های برنامه‌ریزی، مشکلات شهروندان را برطرف نماید (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۲۶). با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت که برای پاسخ به نیازهای جمعیت در حال رشد، مخصوصاً نیاز مسکن، ضرورت انطباق مسکن با ویژگی‌ها، خواسته‌ها و فرهنگ‌ها جامعه روستایی توجه هرچه بیشتر مسئولین، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و متخصصین و دست‌اندرکاران بخش مسکن، به‌ویژه مسکن روستایی، را می‌طلبد.

۳) مبانی نظری

مسکن یا خانه روستایی بنابر تعریف، محل زندگی افراد و خانوارهای روستایی به‌صورت تک خانواری یا چند خانواری در زیر یک سقف مشترک و بهره‌گیری از امکانات و فضاهای موجود به‌صورت اختصاصی و یا جمعی است. مسکن روستایی به‌طور طبیعی مکان زندگی گروه‌های روستایی بوده که الگو و عملکردهای آن مکان در پیوند با عرصه‌های مکانی ـ فضایی همانند دریچه‌ای است که می‌توان از پشت آن به بررسی و شناخت چشم‌انداز و روندهای حاکم بر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

زندگی و فعالیت روستا پرداخت (سعیدی و احمدی، ۱۳۹۰: ۸). البته لازم به ذکر است که این موضوع به‌ویژه در مناطقی که هنوز پیوندها و روابط خود را با محیط طبیعی حفظ کرده‌اند و حرکت و فعالیت‌های خود را، به‌طور نسبی، در طبیعت جستجو کرده و سازگار و هم‌نوا با عوامل و نیروهای طبیعی منطبق می‌کنند، صادق است.

ساخت مساکن روستایی در واقع از پیوستگی انسان و محیط بوده که به‌منظور آسایش، ادامه زندگی و فعالیت خانواده‌های روستایی ایفای نقش می‌کند. خصیصه اساسی مساکن روستایی اختلاط فضای کار و تولید با فضای مسکونی است. مسکن روستایی برخلاف مساکن شهری صرفاً محل سکونت و استراحت افراد نیست، بلکه به اقتضای نوع کارکرد اقتصادی خانواده، مرکز نگهداری و پرورش دام و طیور، تولید فرآورده‌های دامی، محل کارگاه صنایع دستی و نیز نگهداری وسایل تولید و محصولات کشاورزی است. تقسیمات داخلی ساختمان‌ها تا حد زیادی متأثر از نحوه معیشت خانواده‌هاست (نبردی، ۱۳۷۶: ۱۱۳).

علاوه بر این، مکان یک سکونتگاه عبارت است از محل استقرار و برپایی آن بر سطح زمین که تصمیم‌گیری برای انتخاب این مکان از سده‌ها پیش پیوسته در ارتباط با عوامل مکانی-موقعیتی بوده است. برخی از این عوامل در طول تاریخ عبارت بوده اند از: امکان امنیت و دفاع؛ دسترسی به آب کافی و مناسب؛ سهولت در دسترسی به سکونتگاههای دیگر و مکان های مختلف دور و نزدیک؛ دوری از خطر سیل و سیلاب؛ وجود اراضی حاصلخیز قابل زرع؛ و دسترسی به مواد تأمین کننده سوخت و مصالح ساختمانی (سعیدی، ۱۳۹۰).

با توجه به‌اینکه مسکن و سکونتگاه‌ها (روستایی و شهری)، بخصوص در کشورهای جهان سوم، دارای ابعاد گوناگون و پیچیده‌ای می‌باشند، لذا، فقط به ابعاد معماری و یا اینکه در مناطق روستایی و شهری است محدود نمی‌شود (اعتماد، ۱۳۶۹: ۳۵). بلکه لازم است جهت ارائه یک تعریف جامع و کامل از مسکن و شاخص‌های ارزیابی آن (شاخص‌های کمی و کیفی)، که قادر به پاسخگویی به طیف وسیعی از نیازهای انسان باشد، برخورد منظم و همه جانبه صورت پذیرد.

مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، همه‌ی محیط مسکونی را در بر می‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای به‌زیستن خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است (دلال‌پورمحمدی، ۱۳۷۹: ۳). در واقع تعریف و مفهوم عام مسکن چیزی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بیش از یک سر پناه صرفاً فیزیکی است و کلیه خدمات و تسهیلات لازم برای بهزیستن انسان را شامل می‌شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده کننده آن فراهم باشد (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۰۵). لذا، مسکن مناسب که در اجلاس اسکان بشر در ۱۹۹۶ در استانبول بر آن تأکید شده است را می‌توان چنین تعریف نمود، مسکن مناسب سرپناهی است که علاه بر تامین نیازهای روحی افراد دارای ویژگی‌های فیزیکی، خدماتی و تسهیلاتی مناسب به شرح ذیل باشد: آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی،امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی،تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیر ساخت‌های اولیه مناسب، از قبیل آبرسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست‌محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه است که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مالی مردم موجود باشند (سرتیپی، ۱۳۹۰: ۷؛ ملکی، ۱۳۹۰: ۳۳؛ حکیمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰۲).

در نظام عقیدتی اسلامی اهمیت مسکن تا جایی است که تأمین آن در قانون اساسی ایران از وظایف دولت معرفی شده است. در اصل ۴۳ قانون اساسی تأمین نیازهای اساسی و از جمله مسکن به عنوان یکی از پایه های استقلال اقتصادی و ریشه کنی فقر در جامعه برشمرده شده است. همچنین در اصل ۳۱ قانون اساسی ، برخورداری از مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده‌ی ایرانی برشمرده شده است. در راستای اجرای این قانون، دولت موظف به تأمین مسکن روستانشینان و با اولویت‌دهی به مناطق محروم می‌باشد (سرتیپی پور،۱۳۸۴: ۴۶). به منظور ارزیابی میزان دستیابی به اهداف بیان شده در اصول فوق، وجود شاخص‌ها و معیارهایی برای وضعیت‌سنجی موجود مساکن روستایی کشور ضروری است. این شاخص‌ها نه تنها ابزار مناسبی برای سنجش وضعیت موجود و میزان تحقق برنامه‌ها در طول اجرای آنها است، بلکه عامل شفافسازی در امر نظارت بر چگونگی عملکرد سازمان‌های مجری ذی‌ربط خواهد بود (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

متاسفانه اغلب روستائیان ایران، بویژه مناطق روستایی استان کرمانشاه، در مساکن کوچک و با وسایل تهویه ناقص و تاریک زندگی می‌کنند. لذا، برای تحلیل مسائل کمی و کیفی مسکن از ابزاری استفاده می‌گردد که به‌صورت متغیرهایی به نام شاخص‌های مسکن مطرح می‌باشند و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بیانگر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی مسکن هستند. بنابراین شاخص‌های مسکن ابزار مناسبی جهت سنجش معیارها و ضوابط سیاست‌های مسکن است. به عبارتی شاخص‌های مسکن به‌عنوان شالوده اصلی یک برنامه جامع و ابزاری ضروری برای بیان ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی مسکن از جایگاه ویژه‌ای در امر برنامه‌ریزی مسکن برخوردار هستند. با استفاده از این شاخص‌ها می‌توان وضعیت حاکم بر نظام مسکن را ارزیابی نمود و مقیاس واقعیات و رخدادهایی که در این زمینه وجود دارند از نظر عینی بررسی کرد. شاخص‌های مسکن به چهار گروه عمده تقسیم می‌شوند (ستارزاده، ۱۳۸۸: ۶۰).

شاخص‌های جمعیتی: شاخص‌های اصلی جمعیتی مسکن که به‌طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر فضای مورد نیاز افراد و خدمات سکونتی مؤثر است را می‌توان در دو گروه جداگانه ولی درعین حال متصل با هم مورد بررسی قرار داد. این دو عبارتند از: الف) شاخص‌های کمی واحد مسکونی ب) شاخص‌های کیفی واحد مسکونی. شاخص‌های کمی عمدتاً به بیان انواع تراکم در واحد مسکونی و خصوصیات کیفی به بررسی مصالح ساخت بنا، مالکیت واحدهای مسکونی، قدمت و عمر ساختمان و تسهیلات موجود در واحد مسکونی می‌پردازد. خصوصیاتی که یک واحد مسکونی را برای زیست خانوار و انجام فعل و انفعالات زندگی خانوادگی مطلوب می‌سازد، ویژگی-های کیفی یک واحد است مانند بعد خانوار، رشد سالانه خانوار و تعداد نفر در اتاق (ستارزاده، ۱۳۸۸: ۶۱).

شاخص‌های اجتماعی: نوع واحدهای مسکونی (آپارتمانی ومعمولی)، میزان برخورداری واحدهای مسکونی از اسناد مالکیت؛ مدت زمان بهره‌برداری از واحدهای مسکونی؛ نسبت واحدهای مسکونی خالی؛ میزان برخورداری واحدهای مسکونی از فضاهای معیشتی و فضاهای مشترک زیستی و معیشتی؛ نوع سوخت مصرفی برای پخت و پز؛ نوع سوخت مصرفی برای گرمایش؛ میزان برخورداری از امکانات خدماتی، بهداشتی و درمانی، آموزشی و فرهنگی و خدماتی و بازرگانی، نحوه تصرف واحد مسکونی و تعداد خانوار در واحدهای مسکونی از جمله شاخص‌های اجتماعی است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شاخص‌های اقتصادی: طول دوره ساخت واحدهای مسکونی شهری، متوسط قیمت احداث یک متر مربع بنای مسکونی، نحوه تامین نیروی انسانی ماهر مورد نیاز برای احداث مسکن و وجود نهادهای مالی برای تامین مسکن در شاخص‌های اقتصادی مطرح است.

شاخص‌های کالبدی: سطح زیربنای واحدهای مسکونی شهری، مساحت زمین واحد مسکونی؛ مساحت فضاهای زیستی و معیشتی، تعداد اتاق موجود در واحدهای مسکونی، دوام مصالح، عمر بنا و نسبت سطح اشغال از مهمترین شاخص‌های کالبدی به شمار می‌رود.

۴) قلمرو پژوهش

استان کرمانشاه، در ۳۳ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۸ دقیقه طول شرقی و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا۴۸ درجه و ۷ دقیقه عرض شمالی واقع شده است و از شمال به استان کردستان، از جنوب به استان‌های لرستان و ایلام و از شرق به استان همدان و از غرب با ۳۳۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق همسایه است. استان کرمانشاه با وسعت ۲۵۰۳۸ کیلومتر مربع در سال ۱۳۹۰، ۱۹۴۵۲۲۷ نفر جمعیت داشته و ارتفاع متوسط آن از سطح دریاهای آزاد حدود ۱۲۰۰ متر است. استان کرمانشاه به لحاظ تقسیمات سیاسی شامل ۱۴ شهرستان، ۲۹ بخش، ۲۸ شهر و ۸۵ دهستان بوده و میزان شهرنشینی و روستانشینی در این استان به ترتیب ۶۹/۷ درصد و۳۰/۱ درصد است و حدود ۰/۲ درصد جمعیت استان جزو جمعیت غیر ساکن است (مرکز آمار، ۱۳۹۰ - سالنامه آماری استان کرمانشاه، ۱۳۸۸). در جدول و شکل شماره (۱) موقعیت جغرافیایی استان کرمانشاه و مشخصات جمعیتی شهرستان‌های استان نشان آمده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

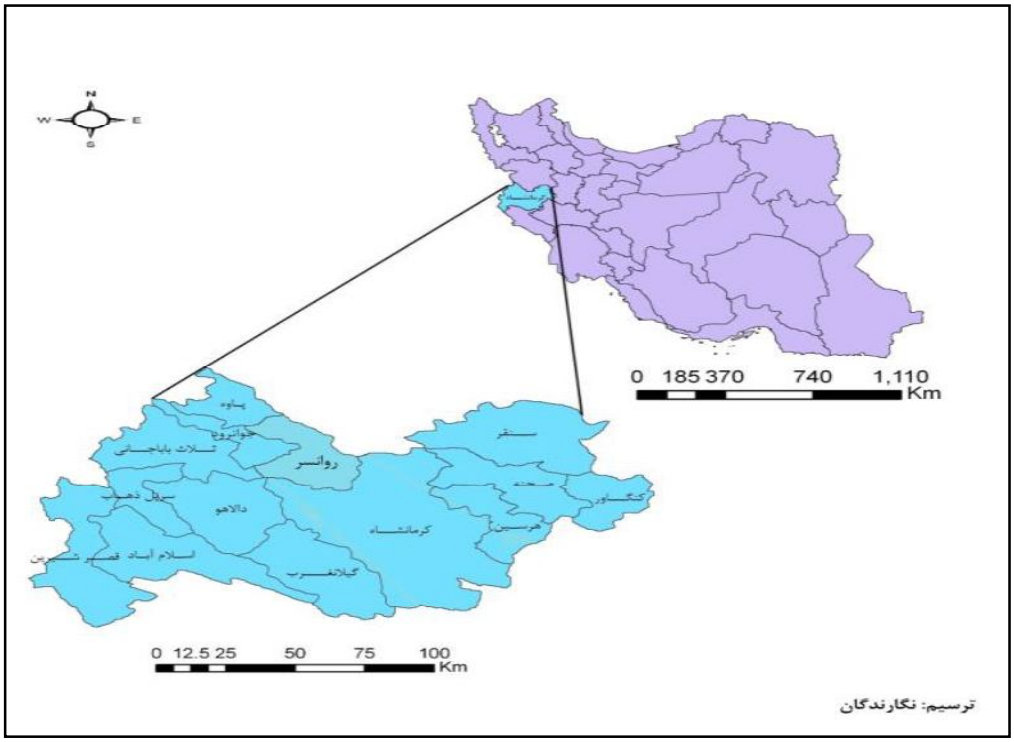

شکل شماره (۱) : موقعیت استان کرمانشاه نسبت به کل کشور

جدول شماره (۱): ویژگی‌های جمعیتی شهرستان های استان کرمانشاه

شهرستان	جمعیت	شهری	روستایی	شهرستان	جمعیت	شهری	روستایی
اسلام آبادغرب	۱۵۱۴۷۳	۹۶۰۶۲	۵۵۰۶۴	سنقر	۹۱۹۳۵	۴۶۱۸۱	۴۵۷۵۴
پاوه	۵۶۸۳۷	۳۰۲۴۲	۲۶۵۹۵	صحنه	۷۶۶۷۸	۳۷۱۴۰	۳۹۵۲۰
ثلاث باباجانی	۳۸۴۷۵	۱۳۳۳۶	۲۵۰۴۸	قصرشیرین	۲۵۵۱۷	۱۷۹۶۸	۷۲۲۱
جوانرود	۷۱۲۳۵	۵۱۴۸۳	۱۹۷۵۲	کرمانشاه	۱۰۳۰۹۷۸	۸۵۷۰۴۸	۱۷۳۴۴۱
دالاهو	۳۹۸۳۷	۱۲۹۳۰	۲۶۵۷۳	کنگاور	۸۱۰۵۱	۵۳۴۴۹	۲۷۳۹۶
روانسر	۴۶۳۹۵	۲۴۵۹۲	۲۱۸۰۳	گیلانغرب	۶۲۸۵۸	۲۳۷۸۰	۳۷۸۱۴
سرپل ذهاب	۸۵۶۱۶	۳۵۸۰۹	۴۹۳۸۴	هرسین	۸۶۳۴۲	۵۵۰۷۴	۳۱۲۵۶

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰.

۵) روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده و اطلاعات مورد نیاز از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ مربوط به استان کرمانشاه (مناطق روستایی ۱۴ شهرستان) استخراج شده است. از روش تبیینی و توصیفی برای تحلیل شرایط مسکن از دو بعد کمی و کیفی استفاده شده است. متغیرهای اصلی پژوهش شامل ۳۴ شاخص اصلی مسکن روستایی می‌باشند که برای تحلیل

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

مسکن روستایی در استان کرمانشاه و تعیین سطح برخورداری شهرستان‌های این استان از لحاظ شاخص‌های مورد بررسی استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل TOPSIS و روش تحلیل خوشه‌ای با نرم‌افزارهای SPSS و Excel استفاده شده است. با استفاده از مدل TOPSIS به رتبه‌بندی شهرستان‌ها و تعیین ضریب اهمیت هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه پرداخته شد و سپس با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای، مناطق روستایی استان به گروه‌های همگن طبقه‌بندی شده‌اند.

در این تحقیق، با بهره‌گیری از مدل آماری وزن‌دهی آنتروپی شانون و تکنیک رتبه‌بندی تاپسیس شهرستان‌های استان اولویت‌بندی گردیدند و در ادامه جهت تعیین سطوح همگن ضریب اولویت شهرستان‌ها از تکنیک تحلیل خوشه‌ای استفاده گردید. در نهایت، با کمک سیستم اطلاعات جغرافیایی نتیجهٔ حاصل، در قالب نقشهٔ سطوح برخورداری به نمایش گذاشته شده است. در این پژوهش جهت تعیین سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه به لحاظ شاخص‌های مسکن روستایی، از ۳۴ شاخص[۱] ذیل استفاده شده است:

C_1- درصد بهره‌مندی از برق؛ C_2- درصد بهره‌مندی از تلفن ثابت؛ C_3- درصد بهره‌مندی ازآب لوله‌کشی؛ C_4- درصد بهره‌مندی از گاز لوله‌کشی؛ C_5- درصد بهره‌مندی از نفت ؛ C_6- درصد بهره‌مندی از آشپزخانه؛ C_7- درصد بهره‌مندی ازحمام؛ C_8- نسبت بهره‌مندی از مسکن ملکی عرصه و اعیان (زمین و بنا)؛ C_9- نسبت بهره‌مندی از مسکن ملکی اعیان (زمین)؛ C_{10}- نسبت بهره‌مندی از مسکن اجاره‌ای؛ C_{11}- نسبت بهره‌مندی از مسکن در برابر خدمت؛ C_{12}- نسبت بهره‌مندی از مسکن رایگان؛ C_{13}- نسبت خانوار استفاده کننده از گاز طبیعی برای پخت و پز؛ C_{14}- نسبت خانوار استفاده کننده از گاز طبیعی برای ایجاد گرما؛ C_{15}- نسبت خانوار استفاده کننده از گاز طبیعی برای تهیه آب گرم؛ C_{16}- نسبت واحد مسکونی فلزی به کل مساکن؛ C_{17}- نسبت واحد مسکونی بتن و آرمه به کل مساکن؛ C_{18}- نسبت واحد مسکونی آجر و آهن به کل مساکن؛ C_{19}- نسبت واحد مسکونی تمام آجر به کل مساکن؛ C_{20}- نسبت واحد مسکونی خشت و چوب به کل مساکن؛ C_{21}- تراکم خانوار در واحد مسکونی؛ C_{22}- تراکم نفر در واحد مسکونی؛ C_{23}- تراکم نفر در اتاق؛ C_{24}- درصد کمبود مسکن؛ C_{25}- سرانه اتاق در اختیار؛ C_{26}- تعداد

۱- شاخص‌های منفی در پژوهش حاضر به صورت معکوس بکار گرفته شده‌اند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

خانوار؛ $C_{۲۷}$- بعد خانوار؛ $C_{۲۸}$- درصد واحد مسکونی ۵۰ مترمربع و کمتر؛ $C_{۲۹}$- درصد واحد مسکونی ۷۵-۵۱ مترمربع؛ $C_{۳۰}$- درصد واحد مسکونی ۸۰-۷۶ مترمربع؛ $C_{۳۱}$- درصد واحد مسکونی ۱۰۰-۸۱ مترمربع؛ $C_{۳۲}$- درصد واحد مسکونی ۱۵۰-۱۰۱ مترمربع؛ $C_{۳۳}$- درصد واحد مسکونی ۲۰۰-۱۵۱ مترمربع؛ $C_{۳۴}$- درصد واحد مسکونی ۲۰۱ مترمربع و بیشتر.

۶) تحلیل داده ها و یافته های تحقیق

الگوریتم Topsis، به عنوان یک تکنیک تصمیم‌گیری چند شاخصه جبرانی بسیار قوی، برای اولویت‌بندی گزینه‌ها از طریق شبیه نمودن به جواب ایده‌آل است که به تکنیک وزن‌دهی، حساسیت بسیار کمی داشته، پاسخ‌های حاصل از آن، تغییر عمیقی نمی‌کند. در این روش، گزینهٔ انتخاب شده باید کوتاهترین فاصله را از جواب ایده‌آل و دورترین فاصله را از ناکارآمدترین جواب داشته باشد (Ghanbari & etal, ۲۰۱۲: ۱۶).

در ذیل این پژوهش، برای چگونگی مراحل انجام ارزیابی و اولویت‌بندی و نیز تشریح مدل نشان داده شده‌است: به اجمال در روش تاپسیس، ماتریس m*n که دارای m گزینه و n معیار است، ارزیابی می‌گردد. در این الگوریتم، فرض می‌شود هر شاخص و معیار در ماتریس تصمیم-گیری، دارای مطلوبیت افزایشی و یا کاهشی یکنواخت است.

۸) مراحل اجرای الگوریتم Topsis

۱- تشکیل ماتریس داده‌ها بر اساس n شاخص و m گزینه.

$$A_{ij} = \begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} & \cdots & a_{1n} \\ a_{21} & a_{22} & \cdots & a_{2n} \\ \cdot & & & \cdot \\ \cdot & & & \cdot \\ a_{m1} & a_{m2} & \cdots & a_{mn} \end{bmatrix}$$

۲- استاندارد نمودن داده‌ها و تشکیل ماتریس استاندارد (جدول شماره ۲ در بخش پیوست).

$$r_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{k=1}^{m} a_{kj}^2}} \qquad R_{ij} = \begin{bmatrix} r_{11} & r_{12} & \cdots & r_{1n} \\ r_{21} & r_{22} & \cdots & r_{2n} \\ \cdot & & & \cdot \\ \cdot & & & \cdot \\ \cdot & & & \cdot \\ r_{m1} & r_{m2} & \cdots & r_{mn} \end{bmatrix}$$

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۳- تعیین وزن هریک از شاخص ها (wi) بر اساس $\sum_{i=1}^{n} w_i = 1$ در این راستا شاخص‌های دارای اهمیت بیشتر از وزن بالاتری نیز برخوردارند:

$$V_{ij} = \begin{bmatrix} w_1 r_{11} & w_2 r_{12} & \cdots & w_n r_{1n} \\ w_1 r_{21} & w_2 r_{22} & \cdots & w_n r_{2n} \\ \cdot & & & \cdot \\ \cdot & & & \cdot \\ \cdot & & & \cdot \\ w_1 r_{m1} & w_2 r_{m2} & \cdots & w_n r_{mn} \end{bmatrix}$$

لازم به ذکر است در این پژوهش جهت محاسبه اوزان ۳۴ شاخص مورد بررسی از روش آنتروپی شانون استفاده شده است. آنتروپی یک مفهوم با اهمیت در علوم اجتماعی، فیزیک و تئوری اطلاعات است. با مشخص نمودن ماتریس تصمیم‌گیری، می‌توان از این روش برای ارزیابی وزن‌ها استفاده کرد. در این روش هرچه پراکندگی در مقادیر یک شاخص بیشتر باشد، آن شاخص از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این بخش به لحاظ رعایت اختصار از آوردن محاسبات خودداری و فقط وزن هر شاخص در جدول شماره (۳) آورده شده است.

۴- تعیین فاصله iامین گزینه از گزینه ایده‌آل (بالاترین عملکرد هر شاخص) که آن را با (A^+) نشان می‌دهند.

$$A^+ = \{(\max_i v_{ij} \mid j \in J), (\max v_{ij} \mid j \in J')\}$$

$$A^+ = \{V_1^+, V_2^+, \ldots, V_n^+\}$$

جدول شماره (۳) : شاخص اوزان

شاخص	C۱	C۲	C۳	C۴	C۵	C۶	C۷
Wi	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۱۰۳۱	۰/۰۰۱۰۲	۰/۱۷۲۰۶	۰/۰۰۰۹۶	۰/۰۰۲۱۲	۰/۰۰۰۰۳
شاخص	C۸	C۹	C۱۰	C۱۱	C۱۲	C۱۳	C۱۴
Wi	۰/۰۰۰۱۶	۰/۰۳۲۹۶	۰/۰۰۶۱۹	۰/۰۳۲۲۹	۰/۰۱۰۹۹	۰/۱۳۸۰۱	۰/۱۳۹۰۸
شاخص	C۱۵	C۱۶	C۱۷	C۱۸	C۱۹	C۲۰	C۲۱
Wi	۰/۱۳۴۲۵	۰/۰۵۴۱۴	۰/۰۹۱۷۷	۰/۰۰۹۹۳	۰/۰۶۰۸۸	۰/۰۰۷۵۲	۰/۰۰۰۲۵
شاخص	C۲۲	C۲۳	C۲۴	C۲۵	C۲۶	C۲۷	C۲۸
Wi	۰/۰۰۱۲۲	۰	۰/۰۰۰۱۵	۰/۰۰۰۲۵	۰/۰۲۶۳۷	۰/۰۰۰۵۷	۰/۰۱۷۱۴
شاخص	C۲۹	C۳۰	C۳۱	C۳۲	C۳۳	C۳۴	
Wi	۰/۰۰۴۲۸	۰/۰۰۱۳۴	۰/۰۰۳۷۰	۰/۰۱۰۷۴	۰/۰۱۰۷۴	۰/۰۱۸۶۰	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۵- تعیین فاصله i امین آلترناتیو حداقل(پایین‌ترین عملکرد هر شاخص) که آن را با (A^-) نشان می‌دهند.

$$A^- = \{(\min_i v_{ij} \mid j \in J), (\max v_{ij} \mid j \in J')\}$$
$$A^- = \{V_1^-, V_2^-, \dots, V_n^-\}$$

۶- تعیین معیار فاصله‌ای برای گزینه ایده آل (S^+) و گزینه حداقل (S^-).

$$S_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^{n} (v_{ij} - v_j^+)^2}$$

$$S_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^{n} (v_{ij} - v_j^-)^2}$$

۷- تعیین ضریبی که برابر است با فاصلهٔ گزینه حداقل (Si^-) تقسیم برمجموع فاصلهٔ گزینه حداقل (Si^-) و فاصله آلترناتیو ایده‌ال (Si^+) که آن را با (Ci^+) نشان داده و از رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$$C_i^* = \frac{S_i^-}{S_i^- + S_i^+}$$

۸- رتبه‌بندی گزینه براساس میزان(Ci^+)، میزان فوق بین صفر و یک در نوسان است. (Ci^+) برابر ۱ نشان‌دهنده بالاترین رتبه و (Ci^+) برابر صفر نیز نشان‌دهنده کمترین رتبه است. ضریب اولویت و رتبه شهرستان‌های استان کرمانشاه به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های مسکن روستایی، در جدول شماره (۴) و نمودار شماره (۱) آورده شده است.

جدول شمارهٔ (۴) : ضریب اولویت و رتبه مناطق روستایی استان کرمانشاه به لحاظ برخورداری از شاخص‌های مسکن

شهرستان	(C_i^+ (ضریب اولویت	رتبه	شهرستان	(C_i^+ (ضریب اولویت	رتبه
روانسر	۰/۰۶۱	۱۱	کنگاور	۰/۷۳۲	۱
دالاهو	۰/۱۱۰	۷	قصرشیرین	۰/۰۵۰	۱۲
ثلاثوباباجانی	۰/۰۹۵	۸	سنقر	۰/۲۱۹	۵
هرسین	۰/۵۴۶	۲	سرپل‌ذهاب	۰/۱۵۷	۶
صحنه	۰/۲۹۷	۳	پاوه	۰/۰۸۶	۱۰
جوانرود	۰/۰۲۸	۱۴	کرمانشاه	۰/۲۶۱	۴
گیلانغرب	۰/۰۴۵	۱۳	اسلام‌آبادغرب	۰/۰۸۸	۹

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

ماخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج نهایی تکنیک TOPSIS در نمودار شماره (۱)، می توان چنین عنوان کرد که سه شهرستان کنگاور، هرسین و صحنه به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۷۳۲، ۰/۵۴۶ و ۰/۲۹۷ رتبه‌های اول تا سوم را به لحاظ برخورداری از شاخص‌های مسکن به خود اختصاص داده‌اند. همچنین سه شهرستان جوانرود، گیلانغرب و قصرشیرین به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۰۲۸، ۰/۰۴۵ و ۰/۰۵۰ در پایین‌ترین مرتبه قرار گرفته‌اند. نمودار شماره (۱) بیانگر نابرابری و شکاف زیاد بین مناطق روستایی استان کرمانشاه به لحاظ برخورداری از شاخص‌های مسکن است به این صورت که امتیاز نهایی برخوردارترین شهرستان (کنگاور) بیش از ۲۶ برابر ضعیف‌ترین شهرستان (جوانرود) استان است.

نمودار شمارهٔ (۱): رتبه مناطق روستایی استان کرمانشاه به لحاظ برخورداری از شاخص های مسکن

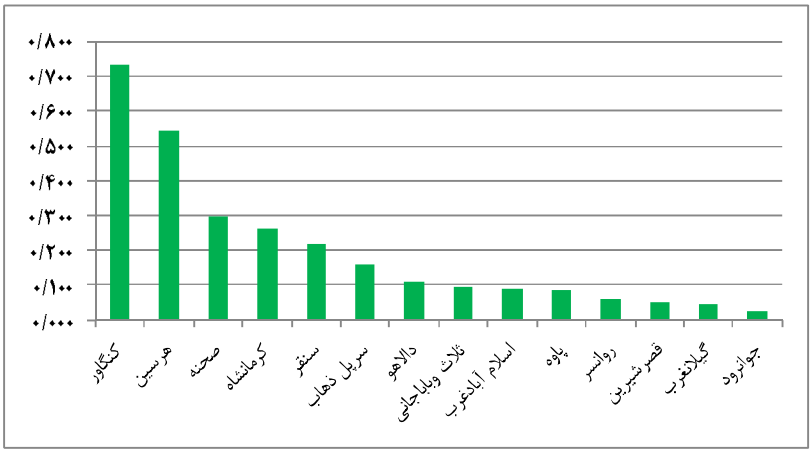

۷) تکنیک تحلیل خوشه‌ای

پس از انجام مراحل تکنینک تاپسیس و محاسبه مجموع امتیازات هریک از شهرستان‌ها و تعیین جایگاه آنان در زمینه شاخص‌های انتخابی، به سطح‌بندی شهرستان‌استان پرداخته شده است. جهت انجام این کار از روش خوشه‌ای سلسله مراتبی به جهت کاربرد بیشتر در مطالعات جغرافیایی بهره گرفته شده است. بر این اساس، با توجّه به هدف پژوهش و داده‌های آماری از روش پیوند متوسط[۱] که یکی از روش‌های تشکیل خوشه‌های تراکمی در روش تحلیل خوشه‌ای سلسله مراتبی است، استفاده شده است. تکنیک تحلیل خوشه‌ای شهرستان‌هایی را که بیشترین

۱. Average Linkage

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

همانندی را از نظر امتیازهای کسب شده دارند در یک خوشه دسته‌بندی می‌نماید. بدین منظور تحلیل خوشه‌ای شهرستان‌های استان کرمانشاه را در زمینه‌های شاخص‌های مسکن با توجه به امتیازات آن‌ها براساس تکنیک تاپسیس به ۳ خوشه همگن دسته‌بندی نمود که با توجه به وضعیت هر خوشه به نامگذاری آن‌ها اقدام گردید. بدین صورت که شهرستان‌های استان در زمینه شاخص‌های مسکن به ۳ سطح برخوردار، نیمه برخوردار و محروم طبقه‌بندی شدند. نتیجهٔ حاصل از کاربرد تکنیک تحلیل خوشه‌ای در گروه‌بندی شهرستان‌ها و تعیین سطوح برخورداری آنها به شرح زیر است:

سطح اوّل شهرستان‌های برخوردار:

در این سطح دو شهرستان کنگاور و هرسین (حدود ۱۴ درصد شهرستان‌های استان) به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۷۳۲ و ۰/۵۴۶ به عنوان برخوردارترین شهرستان‌های استان در زمینه شاخص‌های مسکن جای گرفته است. قرار گرفتن این دو شهرستان به عنوان دو منطقه برخوردار در استان کرمانشاه، نشان می‌دهد که مناطق روستایی این دو شهرستان در اکثر شاخص‌های مسکن نسبت به سایر شهرستان‌های وضعیت مطلوبی داشته‌اند.

سطح دوم شهرستان‌های نیمه برخوردار:

در سطح نیمه‌برخورار ۴ شهرستان صحنه، کرمانشاه، سنقر و سرپل‌ذهاب واقع شده‌اند که حدود ۲۹ درصد شهرستان‌های استان را در بر می‌گیرد.

سطح سوم شهرستان‌های محروم:

این گروه در برگیرنده ۸ شهرستان دالاهو، ثلاث و باباجانی، اسلام‌آبادغرب، پاوه، روانسر، قصرشیرین، گیلانغرب و جوانرود می‌باشد که بیش از ۵۷ درصد شهرستان‌های استان کرمانشاه را در بر می گیرد و بیانگر وضعیت نامطلوب اکثر مناطق روستایی استان کرمانشاه به لحاظ برخورداری از شاخص‌های مسکن است.

جهت نمایش بهتر توزیع فضایی شاخص‌های مسکن روستایی در شهرستان‌های استان کرمانشاه، نتایج حاصل از تحلیل خوشه‌ای ورودی نرم افزار سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) قرار گرفت که در شکل شماره (۲) قابل ملاحظه است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شکل شماره (۲) : نمایش فضایی وضعیت توسعه‌ی مسکن روستایی و سطح‌بندی در استان کرمانشاه

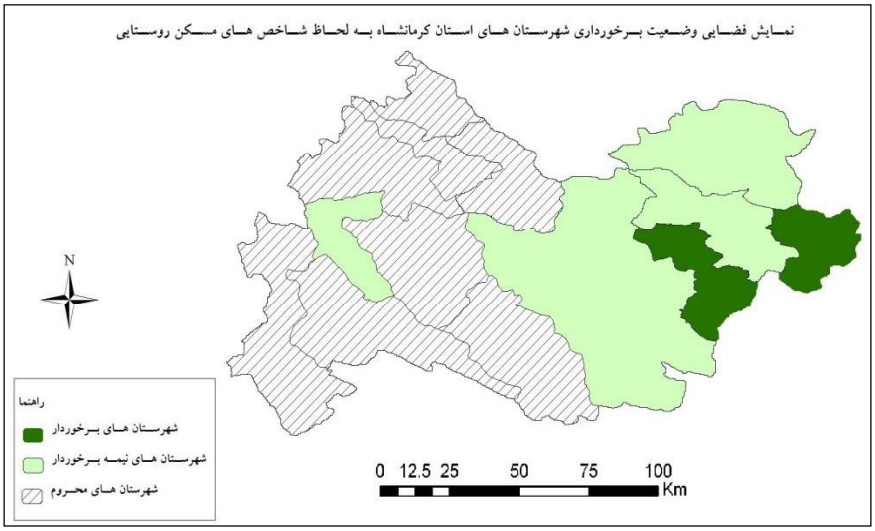

نمایش توزیع فضایی شاخص‌های مسکن روستایی در شهرستان‌های استان کرمانشاه در شکل فوق، بیانگر نابرابری و شکاف بین شهرستان‌های استان به لحاظ برخورداری از شاخص-های مسکن روستایی است. به‌طور کلی اگر استان را به دو قسمت شرق و غربی تقسیم کنیم، مناطق روستایی واقع در شرق استان کرمانشاه وضعیت بهتری نسبت به مناطق روستایی واقع در غرب استان دارا می‌باشند. مناطق روستایی غرب استان کرمانشاه (به استثنای شهرستان سرپل‌ذهاب) به دلایل متعددی از جمله شرایط کوهستانی و واقع شدن در ارتفاعات کوه شاهو و دالاهو و به تبع آن عدم دسترسی به مصالح بادوام ساختمانی، شیب زیاد، آسیب‌دیدگی از جنگ تحمیلی، دوری از مرکز استان، بعد خانوار زیاد و ... شرایط مطلوبی را ندارند. سکونتگاه‌های روستایی در دو شهرستان کنگاور و هرسین واقع در شرق استان، وضعیت بهتری نسبت به دیگر شهرستان‌های استان دارا می‌باشند. از دلایل اصلی واقع شدن مناطق روستایی این دو شهرستان در سطخ برخوردارر شرایط مساعدتر طبیعی نسبت به مناطق غربی استان (شیب کمتر، وجود دشت‌های هموارتر و ...)، وجود کوره‌های انبوه آجرپزی، نزدیکی به مرکز استان، دسترسی مناسب به استان‌های همجوار از جمله شهرستان ملایر واقع در استان همدان و استان لرستان، دوری از مناطق مرزی استان و تأثیرپذیری کمتر نسبت مناطق غربی از جنگ تحمیلی و ... اشاره کرد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱۰) نتیجه‌گیری

از مشخصات بارز توسعه فضایی ایران وجود نابرابری‌های ناحیه‌ای است که سبب رشد ناهمگون و نامتعادل میان نواحی خواهند شد. توسعه روستایی متعادل و متوازن نیازمند بررسی دقیق و همه‌جانبه مسائل اقتصادی، اجتماعی و شناخت بهتر نیازهای جامعه و بهبود آن است. یکی از مهم‌ترین مسائل توسعه روستاها، دسترسی به مسکن باکیفیت و بادوام است که از دیرباز یکی از مهم‌ترین دغدغه انسان‌ها در طول ادوار تاریخ بوده‌است. نابرابری در دسترسی به مسکن مناسب و عدم توزیع عادلانه مؤلفه‌های تشکیل دهنده‌ی مسکن پایدار، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر عدم توسعه یافتگی روستاها و در نتیجه‌ی آن تخریب و خالی شدن سکونتگاه‌های روستایی می‌تواند باشد.

نتایج پژوهش حاضر که به تحلیل نابرابری فضایی مناطق روستایی استان کرمانشاه بر اساس شاخص‌های مسکن روستایی پرداخته است نشان می‌دهد که:

۱- مسکن روستایی شهرستان‌های کنگاور و جوانرود به ترتیب با ضریب اولویت ۰/۷۳۲ و ۰/۰۲۸ برخوردارترین و ضعیف‌ترین شهرستان استان کرمانشاه از لحاظ شاخص‌های مسکن روستایی شناسایی گردیدند.

۲- شکاف بین برخوردارترین شهرستان استان (کنگاور) و ضعیف‌ترین شهرستان، از لحاظ شاخص‌های مسکن روستایی، بیش از ۲۶ برابر است.

۳- در مجموع حدود ۱۴ درصد مناطق روستایی شهرستان، از لحاظ شاخص‌های مسکن روستایی، در سطح برخوردار، ۲۹ درصد در سطح نیمه‌برخوردار و ۵۷ درصد در سطح محروم واقع شده‌اند.

راهکارهایی جهت تعدیل نابرابری فضایی مناطق روستایی استان کرمانشاه در شاخص‌های مسکن

راهکارهای کوتاه‌مدت: برای ۸ شهرستان دالاهو، ثلاث و باباجانی، اسلام‌آباد غرب، پاوه، روانسر، قصرشیرین، گیلانغرب و جوانرود که بر اساس نتایج پژوهش در سطح محروم واقع شده‌اند، راهکارهای کوتاه‌مدت پیشنهاد می‌گردد. به این صورت که شهرستان‌های فوق باید در اولویت برنامه‌ریزی‌های توسعه مسکن روستایی استان کرمانشاه از جمله وام‌های مسکن با بهره

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

کم، کاهش سخت‌گیری‌های بانک در ارائه وام و تهسیلات لازم برای ساخت و تعمیرات و مقاوم سازی واقع شوند.

راهکارهای میان‌مدت: برای ۴ شهرستان صحنه، کرمانشاه، سنقر و سرپل‌ذهاب، که در حد وسط شهرستان‌های برخوردار و نیمه‌برخوردار استان کرمانشاه به لحاظ شاخص‌های مسکن روستایی واقع شده‌اند، راهکارهای میان‌مدت پیشنهاد می‌گرددد. به این صورت که شهرستان-های مذکور بعد از شهرستان‌های واقع در سطح محروم، در اولویت برنامه‌ریزی‌های مسکن روستایی واقع شوند.

راهکارهای بلندمدت: دو شهرستان کنگاور و هرسین بر اساس نتایج پژوهش برخوردارترین شهرستان‌های استان کرمانشاه به لحاظ شاخص‌های مسکن روستایی بوده‌اند. بنابراین برنامه-ریزی‌های توسعه مسکن باید طوری طراحی شود که ضمن تقویت جایگاه این دو شهرستان، دیگر مناطق روستایی استان را به سطح این دو شهرستان به ویژه شهرستان کنگاور برساند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱۱) منابع

- اعتماد، گیتی، (۱۳۶۹)، **مالکیت مسکن و تأثیر آن در سازمان‌یابی و فضای شهری**، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۹، صص۳۳-۴۵.
- افراخته، حسین و نبی هواسی، (۱۳۹۰)، **تحلیلی بر نقش وام مسکن در توسعه روستایی مطالعه‌ی موردی دهستان سیدابراهیم دهلران**، جغرافیا، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۵۵-۷۶.
- حکمت‌نیا، حسن، میرنجف موسوی و عطاالله زرافشان، (۱۳۸۴)، **بررسی و تحلیل شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در شهر تفت و برنامه‌ریزی آتی آن**، جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره ۵، صص ۱۲۵-۱۴۲.
- حکیمی، هادی، محمدرضا پورمحمدی، اکبر پرهیزکار، ابوالفضل مشکینی و مهدی پورطاهری، (۱۳۹۰)، **ارزیابی شاخصهای کمی و کیفی مسکن در سکونتگاههای غیر رسمی ایران مطالعه موردی جمشیدآباد خوی**، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۲، شماره پیاپی ۴۴، دوره ۴، صص ۱۹۷-۲۱۰.
- خسرونیا، مرتضی، (۱۳۸۸)، **ارزیابی رویکردهای مختلف پیرامون شکل‌گیری مسکن روستایی**، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۷، صص ۳۲-۴۳.
- دلال‌پورمحمدی، محمدرضا، (۱۳۷۹)، **برنامه‌ریزی مسکن**، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
- ستارزاده، داوود، (۱۳۸۸)، **بررسی شاخص‌های جمعیتی مسکن ایران ۱۳۸۵**، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۷ و ۶۸، تهران، سازمان ثبت و احوال کشور.
- سرتیپی پور، محسن، (۱۳۸۴)، **شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران**، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۸۴.
- سرتیپی‌پور، محسن، (۱۳۹۰)، **پدیدار شناسی مسکن روستایی**، مسکن و محیط روستایی، شماره ۱۳۳، دوره ۳۰، صص ۳-۱۴.
- سعیدی، عباس، (۱۳۹۰)، **مبانی جغرافیای روستایی**، انتشارات سمت، چاپ سیزدهم، تهران.
- سعیدی، عباس و منیژه احمدی، (۱۳۹۰)، **شهرگی و دگردیسی ساختاری ـ کارکردی خانه‌های روستایی مطالعه‌ی موردی: روستاهای پیرامون شهر زنجان**، فصلنامه جغرافیا، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۷-۳۲.
- سلطان‌پناه، هیرش، هیوا فروقی و محمود گلابی، (۱۳۸۹)، **به کارگیری و مقایسه تکنیکهای تصمیم گیری چندشاخصه در رتبه‌بندی کشورها بر مبنای میزان توسعه انسانی**، مجله دانش و فناوری سال اول، شمارهٔ ۲، صص ۲۸-۱.
- عزیزی، محمد مهدی، (۱۳۸۴)، **تحلیل بر جایگاه و دگرگونی شاخص‌های مسکن شهری در ایران**، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳، صص ۲۵-۳۴.
- غفاری، سید رامین، (۱۳۹۰)، **برنامه‌ریزی و طراحی سکونتگاه‌های روستایی**، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، چاپ اول، اصفهان.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- لطفی، حیدر، علی احمدی و داود حسن زاده فرجود، (۱۳۸۸)، **شاخص‌ها و مولفه‌های ضروری در برنامه‌ریزی وسیاست گذاری مسکن روستایی در ایران**، فصلنامه جغرافیایی آمایش سرزمین، شماره ۷، صص ۱۰۵-۱۲۳.
- لینچ، کوئین، (۱۳۷۶)، **تئوری شکل خوب شهر**، ترجمه‌ی سید حسین بحرینی. انتشارات دانشگاه تهران، ص ۹۸.
- ملکی، سعید، (۱۳۹۰)، **بررسی وضعیت شاخص‌های اجتماعی مسکن در مناطق روستایی شهرستان اهواز**، مسکن و محیط روستایی، شماره ۱۲۹، دوره ۲۹، صص ۳۲-۴۹.
- نبردی، اسد، (۱۳۷۶)، **مسکن و نقش آن در توسعه روستایی شهرستان شاهین‌دژ**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه مشهد، مشهد.
- نسترن، مهین، فرحناز ابوالحسنی و ملیحه ایزدی، (۱۳۸۹)، **کاربرد تکنیک تاپسیس در تحلیل و اولویت‌بندی توسعه پایدار مناطق شهری (مطالعه موردی: مناطق شهری اصفهان)**، جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، شماره ۲، صص ۱۰۰-۸۳ .
- Choguill, Charles. L, (۲۰۰۷), **The search for policies to support sustainable housing**. Habitat International , ۳۱(۱), ۱۴۳- ۱۴۹.
- Ganbari, Yusef, Moradi Hovasin, Nosrat, Jamini, Davood, Mafakheri, Amin, Gashtil, Kheiri (۲۰۱۲), **Spatial Analysis and Classification of Women's Employment Indices in Rural Areas of Iran**, American Journal of Scientific Research, Issue ۷۱, pp: ۷۴-۸۳.
- Hewitt, W, E, (۱۹۹۸), **The role of International municipal cooperation in housing the Developing World's Urban Poor's the Toronto- Sao Paulo Example**. Habitat International, ۲۲(۴), ۴۱۱-۴۲۷.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]